



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 1. Spring 2024

Received date: 2023.08.17

Acceptance date: 2024.04.09



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.1.1.1

Dragons in the Desert: US-China Competition in the Arab Countries of the Middle East

Arash Reisinezhad¹, Ali Nematpour²



Abstract

The New Silk Road, also known as the Belt and Road Initiative, stands as a powerful manifestation of China's influence extending beyond its borders. This initiative originated as a response to China's need to counter the encirclement resulting from America's pivot to Asia strategy and address internal developmental imbalances by tapping into new markets through its geo-economic prowess. In the context of the evolving global order, the New Silk Road holds immense significance as a determinant of power dynamics. This article explores the fundamental question of how the competition between the United States and China in the Arab Middle East impacts the international power structure. Adopting a process-tracing approach and focusing on the geopolitical dimensions of the initiative, the article examines the strategic shifts towards the West from both American and Chinese perspectives in the establishment of the New Silk Road. Additionally, it delves into the crucial trend of "leaving the belt, putting the road under pressure," providing detailed analysis, and assessing its consequences on the global competition between the two nations. Ultimately, the article concludes that while Beijing's endeavor to launch and advance the New Silk Road may appear as a geo-economic competition on the surface, a deeper examination reveals a geopolitical battle between China and the United States for global dominance in the 21st century.

Keywords: Belt and Road Initiative, BRI, New Silk Road, China, America, Middle East, Road Geopolitics.

1 - Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran.

2 - PhD in Political Science, Florida International University, Postdoctoral Researcher in Tarbiat Modares University, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی (۱۱۵)، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۱.۱.۱

نوع مقاله: پژوهشی

اژدها در صحرا: رقابت آمریکا و چین در کشورهای عربی خاورمیانه

آرش رئیسی‌نژاد^۱، علی نعمت‌پور^۲



چکیده

راه ابریشم نوین یا ابتکار کمربند و جاده، نمود و نماد اعمال قدرت چین در ورای مرزهای خود است. ریشه این ابتکار هم در پاسخ به چین برای رهایی از محاصره‌شدگی توسط استراتژی آمریکایی چرخش به سوی آسیا و هم سیاست پکن برای جبران توسعه نامتوازن درونی و یافتن بازارهای نوین با تکیه بر قدرت ژئواکونومیک خود بود. از این دریچه، راه ابریشم نوین مهم‌ترین مسئله در چیدمان قدرت در نظم نوین جهانی خواهد بود. «رقابت آمریکا و چین در خاورمیانه عربی چگونه و با چه ساز و کاری بر چیدمان قدرت در سطح بین‌الملل تأثیر می‌گذارند؟» این پرسش بنیادین و محوری پژوهش پیش رو است که خوانشی تحلیلی از رقابت چینی-آمریکایی در خاورمیانه عربی را نمایان می‌کند. این پژوهش با تکیه بر روش ردیابی فرایند و تأکید بر ژئوپلیتیک راه، به اهمیت چرخش به سوی آمریکا و سپس پاسخ چین در استراتژی پیش به سوی غرب در شکل‌گیری راه ابریشم نوین می‌پردازد. همچنین، این پژوهش روند مهم «کمربند را رها کن، جاده را زیر فشار قرار ده» را با ذکر جزئیات نشان داده و دست آخر پیامدهای آن بر رقابت جهانی چین و آمریکا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که در «سطح» تلاش پکن برای راه‌اندازی و پیشبرد راه ابریشم نوین در رقابت با واشینگتن را می‌توان در رقابتی ژئواکونومیکی دید. در عمق اما، راه ابریشم نوین نبرد ژئوپلیتیکی میان چین و آمریکا برای چیرگی جهانی در سده بیست‌ویکم میلادی خواهد بود.

واژگان کلیدی: ابتکار کمربند و جاده، راه ابریشم نوین، چین، آمریکا، خاورمیانه عربی، ژئوپلیتیک راه.

۱ - (نویسنده مسئول) استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
arash.reisinezhad@ut.ac.ir

۲ - دکتری علوم سیاسی، دانشکده سیاست و روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا، محقق پسا دکتری در دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

راه ابریشم نوین یا ابتکار کمربند و جاده مهم‌ترین ابتکار بین‌المللی است که از سوی رهبران چین رونمایی شده و بلندپروازانه‌ترین کلان پروژه‌ها در زمانه کنونی نیز به شمار می‌آید. شی جین پینگ از این کلان پروژه برای نخستین بار در سپتامبر ۲۰۱۳ در سفر خود به قزاقستان در دانشگاه نظربایف با عنوان «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» رونمایی کرد. سپس در ۳ اکتبر ۲۰۱۳، در سفر شی جین پینگ به اندونزی، طرح «جاده ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم» به‌عنوان مکمل مسیر زمینی مطرح شد. در سال ۲۰۱۴ هر دو مسیر پیش گفته در مسیرهای زمینی و دریایی ادغام و در مجموع «استراتژی یک کمربند-یک جاده» نام گرفت. دو سال بعد در ۲۰۱۵ سند ملی با عنوان «چشم‌انداز و اقدامات برای ساخت کمربند اقتصادی راه ابریشم و جاده ابریشم دریایی سده بیست‌ویکم» از سوی شورای دولتی چین منتشر شد. در شانزدهم مه ۲۰۱۷ طی مراسمی با حضور رهبران نزدیک به سی کشور جهان در چین، راه ابریشم نوین افتتاح شد تا راه را برای جاه‌طلبی اقتصادی بیشتر این قدرت آسیایی هموارتر کند. در ۲۷ و ۲۸ آوریل ۲۰۱۹، دولت چین میزبان دومین اجلاس سران در پکن با موضوعیت «میزگرد مشترک رهبران» بود. اجلاس دوم اما توسط بیشتر رسانه‌های غربی نادیده گرفته شد و ایالات متحده و هند هر دو از اعزام نماینده عالی رتبه برتر خودداری کردند.

این کلان پروژه دربردارنده دسته گسترده‌ای از پروژه‌های شبکه ارتباطی و دیجیتالی و مسیرهای ترانزیتی، لوله‌های نفت و گاز، بنادر، فرودگاه‌ها، خطوط راه‌آهن و تأسیسات انرژی است. راه‌اندازی این ابتکار ۶۵ درصد جمعیت جهان، چهل درصد تولید خالص جهانی و ۷۱ کشور را در بر خواهد گرفت. پشتوانه این کلان پروژه قدرت اقتصادی و توان سرمایه‌گذاری چین است. مهم‌تر آنکه این کلان پروژه می‌تواند به هژمونی این کشور در نظم جهانی پیش رو بینجامد و با کنترل مسیرهای تجاری خشکی و آبی پهنه بزرگ اوراسیا، چین را قدرت جهانی نوین اقتصاد جهان آینده معرفی کند. ابزار اصلی این اعمال قدرت نیز سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است. کوتاه آنکه راه ابریشم نوین مهم‌ترین نماد و نمود اعمال قدرت چین در ورای مرزهای خود برای سال‌ها و دهه‌های آینده خواهد بود. از این رو مسئله بنیادین این پژوهش، شناسایی سیر و سویه رقابت چین و آمریکا در مسیر راه ابریشم عربی در خاورمیانه است. «رقابت آمریکا و چین در خاورمیانه عربی چگونه و با چه ساز و کاری بر چیدمان قدرت در سطح بین‌الملل تأثیر می‌گذارند؟» دو پرسش بنیادین و محوری نوشته پیش رو هستند که خوانشی تحلیلی از رقابت چینی-آمریکایی در خاورمیانه عربی را

نمایان می‌کند. این پژوهش در آغاز چارچوب نظری خود را حول دو مفهوم نوین «ژئوپلیتیک راه» و «دیپلماسی راه» بر می‌سازد. سپس، روش و پیشینه پژوهش با تکیه بر رقابت چین و آمریکا در راه ابریشم عربی در خاورمیانه به تفصیل نشان داده می‌شود. در ادامه بر ریشه‌های این رقابت در شکل‌گیری راه ابریشم نوین تمرکز خواهیم کرد. پس از آن، دو کلان روند در رقابت میان این دو قدرت بزرگ اشاره می‌شود. در پایان نیز اهمیت چنین رقابت نوینی برای نظم نوین جهانی جمع‌بندی خواهد شد.

چارچوب نظری: ژئوپلیتیک راه و دیپلماسی راه

چارچوب نظری نوشته پیش رو بر خوانشی سه حوزه‌ای و سه سطحی از ژئوپلیتیک استوار است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرات جغرافیا بر سیاست و درباره چگونگی تأثیر عوامل جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی بحث می‌کند (Foster, 2006: 2). از این رو، ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌زند. نکته اینکه ژئوپلیتیک از طریق پیوند زدن جغرافیای فیزیکی با کشمکش بر سر قدرت، آبخشور تصورات استراتژیک نیز شده و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید دارد. چنین مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصت‌ها، خود نیز دارای جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. از این دیدگاه، نظریه محی‌الدین مصباحی چارچوب نیرومندی را برای تکامل و پویایی راه ابریشم نوین فراهم می‌کند. این چارچوب، دیدگاه سه‌گانه‌ای از سیستم بین‌الملل را «با سه ساختار متمایز سیاسی-نظامی، هنجاری-اجتماعی و اقتصادی» ارائه می‌دهد (Mesbahi, 2011: 11). چنین چارچوبی از پیوند این سه ساختار با عوامل جغرافیایی نشان می‌دهد که رد پای ریشه‌ها و پیامدهای این کلان پروژه را می‌توان در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی و در سه سطح «بین‌المللی»، «منطقه‌ای» و «داخلی» یافت. این سه سطح و سه حوزه نمایانگر اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در راه‌اندازی و سویه دالان‌های کمر بند زمینی و جاده دریایی راه ابریشم نوین است. این اهمیت اما دو سویه خواهد بود. از یک سو این عوامل را می‌توان پیشران راه‌اندازی و سویه راه ابریشم نوین دید و از سوی دیگر، می‌توان پیامدها و تأثیرات راه‌اندازی و گسترش دالان‌های زمینی و جاده دریایی در این سه حوزه و سه سطح یافت. به بیان دیگر، عوامل ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی سبب شکل‌گیری شاهراه‌ها و سویه‌های آنها می‌شوند. از سوی دیگر راه‌اندازی این شاهراه‌ها، پیامدهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در این سه سطح خواهند داشت. این دوسویگی تأثیر

راه و ژئوپلیتیک را می‌توان «ژئوپلیتیک راه»^۱ نامید. به سخن دیگر، ژئوپلیتیک راه به درهم‌تنیدگی و برهم‌کنش^۲ ژئوپلیتیک و راه استوار است. در اینجا ژئوپلیتیک در معنای عام به کار می‌رود و دربردارنده دیگر حوزه‌های ژئوکالچر و ژئواکونومی هم هست. کوتاه اینکه ژئوپلیتیک راه به نقش عوامل ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری و سویه راه، به‌ویژه شاهراه‌های بین‌المللی اشاره دارد و از سوی دیگر، به تأثیر راه‌اندازی راه بر چیدمان ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی تمرکز می‌کند. ژئوپلیتیک راه تنها در عرصه نظری محدود نمی‌شود و در عوض مفهومی است که سویه‌های کنش و عاملیت دولت‌ها را نشان می‌دهد. چنین درهم‌تنیدگی نظر و کنش را باید در عرصه «دیپلماسی راه»^۳ دید. مفهوم دیپلماسی راه به کناکنش شاهراه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با دیپلماسی اشاره دارد. از یک سو، دیپلماسی راه به نقش کنش‌های دیپلماتیک در شکل‌گیری و سویه راه به‌ویژه شاهراه‌های بین‌المللی می‌پردازد و از سوی دیگر به تأثیر راه‌اندازی راه بر دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی تمرکز می‌کند. به سخن دیگر، شاهراه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بافتاری را برای کنش‌ورزی دیپلماسی فراهم می‌کند و در سوی مقابل، دیپلماسی به راه‌اندازی یا عدم شکل‌گیری شاهراه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌انجامد.

در کنار دو مفهوم ژئوپلیتیک راه و دیپلماسی راه، باید بر اهمیت قدرت ژئواکونومیک راه ابریشم نوین نیز اشاره کرد. ادوارد لوتواک در نوشته ۱۹۹۰ خود، «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی»، با طرح مفهوم «ژئواکونومی» اظهار می‌دارد، «ژئواکونومی ... بهترین اصطلاحی است که می‌توانم به آن فکر کنم تا مخلوط منطق رقابت سیاسی با روش‌های تجارت را توصیف کند - یا همان گونه که کلاوزویتس نوشته بود، منطق جنگ با دستور زبان تجارت» (Luttwak, 1990: 17-23). لوتواک بر آن است که همان منطقی که زمینه‌ساز درگیری نظامی است به تجارت بین‌المللی نیز مربوط می‌شود و از این رو، بر این امر که آینده رقابت ژئوپلیتیک در حوزه اقتصادی گسترش خواهد یافت، تأکید دارد (Ibid: 19). با این حال، ژئواکونومی را نباید در نقطه مقابل مفهوم ژئوپلیتیک دید، بلکه این دو مفهوم درهم‌تنیده هستند. ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، به درستی بیان داشت: «برخی ادعا می‌کنند که با پایان یافتن جنگ سرد، اهمیت قدرت اقتصادی و «ژئواکونومی» از قدرت نظامی و ژئوپلیتیک سستی پیشی گرفته است. آنها می‌گویند که آمریکا باید شمشیرهای خود را نه به گاوآهن، بلکه به ریزتراشه بکوبد!»

1 - Road Geopolitics

2 - Reciprocity

3 - Road Diplomacy

(Nixon, 1992). در واقع، قدرت اقتصادي و ابزارهاي ژئواكونوميك با مشاركت در يك اقتصاد قوي، ايجاد سياستهاي اقتصادي بين المللي موثر و کاربرد ابزارهاي اقتصادي در دستيابي به اهداف ژئوپليتيكي، امنيت ملي يك كشور را تقويت مي كند. رابرت دي بلكول و جنيفر هريس نيز ژئواكونومي را «كاربرد ابزارهاي اقتصادي براي ارتقاء و دفاع از منافع ملي و توليد نتايج مفيد ژئوپليتيكي و تأثير اقدامات اقتصادي ديگر كشورها بر اهداف ژئوپليتيك يك كشور» بيان داشته اند (Blackwill & Harris, 2016: 20). از اين دريچه، ژئواكونومي به «كاربرد ابزارهاي اقتصادي براي پيشبرد اهداف ژئوپليتيك» اشاره دارد (House, 2020). کوتاه اينكه، ژئواكونومي بررسي چگونگي تعامل و برهم كنش ژئوپليتيك و اقتصاد در روابط بين الملل است. از اين منظر، جذابيت سرمايه گذاري و ظرفيت اعمال قدرت نرم كه چين در طرح كمربند و جاده نمود يافته به عنوان عوامل تعيين كننده قدرت ژئواكونوميك در نظر گرفته مي شود. در واقع، راه ابريشم نوين مهم ترين نمود و نماد قدرت ژئواكونوميكي در جهان پيش رو مي باشد.

نكته مهم اينكه، ژئوپليتيك راه، ديپلماسي راه و قدرت ژئواكونوميك راه ابريشم نوين در آسياي غربي بزرگ¹ عمل مي كند. به سخن ديگر، صحنه كناكش اين دو مفهوم در منطقه پهناوري دربردارنده آسياي ميانه، خاورميانه عربي، ايران، تركيه، پاكستان، افغانستان و قفقاز است. ايران كه در قلب خاورميانه بزرگ يا اويكومن²، ناحيه اي ميان نيل و وخنش (آمودريا يا جيحون) همواره قرار داشته، خود را همچون دژ شرق نزديك مي بيند (Reisinezhad, 2018). اين منطقه داراي سه حوزه درهم تنيده، ولي متمايز ژئوپليتيك، ژئوكالچر و ژئواكونومي بود. آسياي غربي واجد ويژگي هاي مشترك تاريخي تعيين كننده است. ناامني و ناپايداري نخبگان حاكم درون كشورهاي منطقه، نقش مهمي در شكل گيري پويايي امنيت منطقه اي ايفا کرده است (Buzan, 2003: 187). كشورهاي اين منطقه كه همگي به استثنای ايران، يا پيامد توافقنامه ۱۹۱۶ سايكس-پيكو يا برآمده از فروپاشي اتحاد جماهیر شوروی هستند، واجد رژيم هاي ناامن و بي ثبات پسا استعماري شدند. ويژگي بارز چنين دولت هايي فقدان هويت دولتي، هويت ملي و هويت رژيم بود. به بيان ديگر، از مرز آسياي ميانه با چين و رودخانه سند تا كانال سوئز و تنگه بسفر، تنها ايران است كه كشوري واقعي محسوب مي شود (Kaplan, 2013). فقدان دولتي قوي در اين منطقه، بر سياست امنيتي منطقه اي تأثير گذاشته است. گذشته از اين، همتافته اي پيچيده از رقابت هاي

ایدئولوژیک، تقسیم‌بندی‌های مذهبی-قومی، سیاست‌های نفتی، اختلاف‌های مرزی و رهبری منطقه‌ای، پیشران‌های سیاسی-امنیتی منطقه‌ای بوده‌اند. آسیای غربی بزرگ همچنین تحت تأثیر رقابت پیوسته و سنگین بین‌المللی جنگ سرد قرار گرفت. پس از جنگ جهانی دوم، خاورمیانه به سرعت به سومین جبهه جنگ سرد (ورای اروپا و آسیای شرقی) بدل شد. پویایی سیاست منطقه‌ای در الگوهای ژرف، دیرپا و شدید «دشمنی-دوستی» (Buzan, 2013: 187) مانند دشمنی ایرانی-عربی، ترکی-ارمنی، شیعی-سنی و یهودی-مسلمان پدیدار شده و چنان نیرومند و پایدار است که نه ایالات متحده آمریکا، نه چین و نه روسیه، توان کنترل مؤثر بر آن را نخواهند داشت. در زمانه کنونی، آسیای غربی بزرگ از فقدان نهادهای امنیتی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی با ثبات، کارا و پایا رنج می‌برد. به این ترتیب، چارچوب نظری پیش رو نقش بزنگاه‌های مهم تاریخی، کنشگران (داخلی/خارجی) و بازیگران (تصمیم‌گیران/نخبگان/نهادهای) را نشان می‌دهد که نقشی کلیدی در مسیر پیشران‌های راه ابریشم نوین بازی می‌کنند. چنین چارچوبی همچنین نشان می‌دهد که رد پای پیامدهای راه‌اندازی دالان‌های راه ابریشم نوین را می‌توان در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی و در سه سطح «بین‌المللی»، «منطقه‌ای» و «ملی» یافت.

روش و پیشینه پژوهش

برای نشان دادن پیدایش، پویایی و روندهای رقابت آمریکا و چین، نوشته پیش رو، رویکردی تحلیلی-تاریخی را با تکیه بر روش روندپژوهی^۱ به کار می‌برد. تحلیل مقاله پیش رو بر روش روندپژوهی استوار است. روند به دگرگونی‌های منظم و پیوسته داده‌ها در بستر زمان گفته می‌شود. این روش نخستین بار توسط تئودور جی گوردن در میانه دهه ۱۹۹۰ بیان شد. در این روش، روند تحت تأثیر توالی رویدادها قرار می‌گیرد و منظور از رویدادها نیز، رخداد‌های مهمی هستند که برآمدن آنها شاید در شکل‌گیری آینده نقش مهمی ایفا کند. بر این اساس، روندها زنجیره مستمر رویدادها هستند که هم وضعیت کنونی را مشخص می‌کنند و هم از موقعیت‌های احتمالی آینده خبر می‌دهند (Gordon, 1994: 1-21). روش تحلیل تأثیر روند بر خلاف رویکردهای صرف تاریخی، تأثیر وقایع بی‌سابقه در آینده و احتمال تغییر روندها بر پایه رخداد‌های جریان‌ساز را مد نظر قرار می‌دهد و از سوی دیگر صرفاً بر پایه پیش‌بینی‌های برخاسته از نظریات شخصی تحلیلگران بنا نشده است. در این میان تحلیل روند، به دلایل شکل‌گیری

روند، پیشران‌های تأثیرگذار، پیامدهای روند، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو و سرانجام سیاست‌های پیشنهادی می‌پردازد. روش مزبور متناسب‌ترین روش برای تجویزهای سیاست‌گذاری در مورد راه ابریشم نوین است. روندپژوهی به جهت‌دهی داده‌های خام، پردازش و شناخت روابط میان آنها اشاره دارد. مهم‌ترین این داده‌های خام رخدادها هستند که سویه مقدماتی روندها را نشان می‌دهند. جای شگفتی نیست که مفهوم روند (تغییرات پیوسته و منظم داده‌ها در بستر زمان) با رویداد در هم تنیده است. به بیان دیگر معنای روند با ترتیب زمانی رخدادها همبسته خواهد بود. با این حال، ترتیب زمانی رخدادها باید از الگوی آشکاری با رابطه‌ای روشن و با قابلیت توجیه علی و معلولی پیروی کند تا روند خوانده شود. از این دیدگاه روندهای تأثیرگذار بر راه ابریشم نوین، به الگوی ذهنی ترتیب زمانی دسته‌ای از رخدادها و روابط علی میان آنان اشاره دارد. نوشته پیش رو بر منابع و داده‌های دست اول و معتبر استوار است. منبع اصلی در مسیر این پژوهش منابع مکتوب، اسناد و گزارش‌های استراتژیک هستند. از این رو، در پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌های منتشر شده اینترنتی، به تبیین و تحلیل روندهای حاکم بر راه ابریشم نوین و تأثیر آن بر رقابت میان چین و آمریکا و پیامد آن بر نظم نوین جهانی پرداخته‌ایم.

بسیاری از نوشته‌های موجود درباره رقابت چین و آمریکا به اهمیت راه ابریشم نوین و سیاست‌های واکنشی آمریکا به آن پرداخته‌اند. در کتاب نخست، «رؤیای آسیایی چین: ساخت امپراطوری در طول راه ابریشم نوین» تام میلر بر پیامدهای برآمدن راه ابریشم نوین بر آسیا نظر می‌افکند و آن را گامی برای دستیابی به هژمونی تاریخی چین در آسیا می‌بیند. میلر بر آن است که این طرح که بزرگتر از طرح مارشال است در راستای توسعه جهانی شدن با الگوی چینی است که قصد دارد نظم اقتصادی جهان را از نو صورتبندی کرده و کشورها و شرکت‌ها را در مدار اقتصاد چین قرار دهد (Miller, 2019). نادژه رولاند در کتاب «سده اوراسیایی چین» طرح بلندپروازانه یک کمربند یک جاده چین را مفهوم و نماد سازمان‌دهنده سیاست خارجی و کلان استراتژی چین در دوران شی جین پینگ می‌داند. او این طرح را شبکه گسترده و پیچیده زیرساخت‌های ترابری، انرژی و ارتباطات می‌بیند که اروپا و آفریقا را به آسیا پیوند می‌دهد. رولاند نشان می‌دهد که طرح یک کمربند یک جاده، اهداف و آرزوهای چین را برای شکل دادن اوراسیا از نگاه، جهان‌بینی و ویژگی‌های خاص خود نمایان می‌کند (Rolland, 2017). رابرت دی. کاپلان در کتاب «بازگشت جهان مارکوپولو: جنگ، استراتژی و منافع آمریکا در سده بیست‌ویکم» به طرح پیشنهادی چین در مسیر راه ابریشم باستانی پرداخته است. کاپلان چارچوبی از

سیاست قدرت در حال دگرگونی جهان را فراهم می‌کند که در آن اوراسیا، بر خلاف اروپا که به واسطه مهاجرت دچار تفرقه فرهنگی شده، به سیستم یکپارچه‌ای دست می‌یابد. ادعای کاپلان بر این امر استوار شده که چین در حال برساختن و پایه‌گذاری پلی زمینی به اروپا است (Kaplan, 2019). وانگ ای وی در کتاب «کمر بند و جاده: چین در برآمدنش چه چیزی را به جهان پیشنهاد می‌دهد» بر آن است که طرح یک کمر بند و یک جاده دربردارنده منطق ذاتی باز بودن چین است که نشان‌دهنده روند گریزناپذیر بقای تمدن انسانی، نمایانگر پیش‌نیازهای جهانی‌سازی شمولی و بازتاب‌دهنده چرخش بنیادین چین از کشوری مشارکت‌کننده به کشوری پیش‌برنده پروژه جهانی‌سازی است. وی به سیاست پیرامونی، همکاری منطقه‌ای و توسعه جهانی چین پرداخته و به پیامدهای خطرناک این طرح در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اخلاقی و حقوقی اشاره می‌کند (Wang, 2016). پیتر فرانکوپان در کتاب «راه ابریشم نوین: اکنون و آینده جهان» کوشیده تا سیر نظم نوین جهانی را بر پایه راه ابریشم نوین دنبال کند. وی بر آن است که جهان در معرض چرخش ژرفی قرار دارد و این چرخش را می‌توان در سیاست‌های انزواجویانه ترامپ و برگزیت دید در حالی که در اوراسیا راه ابریشم نوین بر همکاری میان دولت‌های مسیر تأکید می‌شود. چنین چرخشی به دگرگونی در مراکز قدرت در سطح بین‌المللی انجامیده است (Frankopan, 2017). برونو ماچاس در کتاب «کمر بند و جاده: نظم جهانی چینی» استدلال می‌کند که این کلان پروژه بر همه عناصر جامعه جهانی تأثیر خواهد گذاشت. وی نشان می‌دهد راه ابریشم نوین مهم‌ترین نمود جاه‌طلبی رهبران چین در هزاره نوین و نماد فاز نوینی از خواسته چین برای ابرقدرت شدن است. نویسنده اعتقاد دارد که مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به این خواسته، بازآرایی اقتصاد جهانی و پذیرش پکن به عنوان مرکز نوین سرمایه‌داری و جهانی‌سازی است. ماچاس همچنین نشان می‌دهد که این کلان پروژه پیش‌درآمد دسته نوینی از ارزش‌های سیاسی جهانی خواهد بود (Mações, 2021). جانانا تان هیلمن در کتاب «راه نوین امپراطور: چین و پروژه برای سده» بر نقش مهم شی در شکل‌گیری این پروژه جاه‌طلبانه ژئواکونومیک تأکید دارد. گرچه پکن این کلان پروژه را تنها اقتصادی و برای ارتقای توسعه جهانی معرفی کرده، هیلمن اما آن را مسیری از پیش طراحی شده برای چیرگی جهانی می‌بیند. وی اعتقاد دارد که چین در حال تکرار اشتباه دیگر قدرت‌های بزرگ پیشین است و فشار برای مرکزیت جهانی را برای پکن پرخطر می‌بیند (Hillman, 2020). توماس زیمرمن در گزارش خود «راه ابریشم نوین: چین، آمریکا و آینده آسیای میانه» می‌نویسد که راه ابریشم نوین با وجود همسانی با راه ابریشم باستانی، تنها راه بازرگانی و تجارت نیست. به نوشته زیمرمن، راه ابریشم نوین از سوی حلقه‌های

سیاست‌گذاری کلان چینی، همچون تلاشی برای موازنه سیاست آمریکایی چرخش به سوی آسیا و خنثی کردن کوشش‌های آمریکا برای چیرگی بر منطقه دیده می‌شود (Zimmerman, 2015).

الف. ریشه‌ها

۱. «چرخش به سوی آسیا» آمریکا

کلان پروژه راه ابریشم نوین واکنشی به استراتژی آمریکایی «چرخش به سوی آسیا» برای مهار چین بود. باراک اوباما در اواخر ۲۰۱۱ با اتخاذ این استراتژی اعلام کرد که قصد دارد منطقه آسیا-پاسیفیک را به اولویت سیاست خارجی خود تبدیل و توجه بیشتری به آن معطوف کند. این راهبرد با تأکید بر نهادهای چند جانبه منطقه‌ای، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، حضور گسترده نظامی و پررنگ کردن دموکراسی و حقوق بشر کوشید تا چین را مهار کند. با وجود مخالفت استراتژیست‌های آمریکایی همچون آمیتای اتریونی که چرخش به سوی آسیا را زود می‌دید (Etzioni, 2013: 11) و رابرت اس. راس که این راهبرد را تسریع‌کننده پرخاشگری چین و بی‌ثباتی منطقه‌ای و کاهشگر همکاری میان پکن و واشینگتن می‌دانست (Ross, 2012: 21)؛ این راهبرد از یک سو با مشارکت دادن چین در تجارت جهانی و نهادهای بین‌المللی، تلاش می‌کرد تا پکن را درگیر حفظ نظم پر سود اقتصادی کرده و از سوی دیگر با مهار نظامی آن از طریق نهادهای منطقه‌ای، این کشور را از به چالش کشیدن وضعیت موجود و تلاش برای کاربرد زور دلسرد کند. به بیان دیگر، هدف فرجامین چنین راهبردی تعامل و توازن توأمان تبدیل چین به آنچه که پیش‌تر دولت جورج دبلیو. بوش آن را «یک ذی‌نفع مسئول در سیستم بین‌المللی موجود» می‌خواند، بود (Ibid: 61).

گذشته از اوباما، این هیلاری کلینتون بود که با مقاله خود «سده اقیانوس آرام» شهرت مفهوم استراتژیک «چرخش به سوی آسیا»^۱ را دو چندان کرد (Rizzo & Liptak, 2016). کلینتون نخستین تور سیاست خارجی خود به آسیا در ۱۵ فوریه ۲۰۰۹ را آغاز و در ژاپن، چین، کره جنوبی و اندونزی با رهبران این کشورها گفتگو کرد. وی با انتقاد از وضعیت حقوق بشر در چین، نقطه آغاز دگرگونی در سیاست خارجی آمریکا را رقم زد (Friedberg, 2012). به گفته کلینتون، راهبرد «چرخش به سوی آسیا» در شش محور عملی پیش خواهد رفت: تقویت اتحادهای امنیتی دو جانبه، تعمیق روابط آمریکا با

قدرت‌های منطقه از جمله چین، تعامل با نهادهای چند جانبه منطقه‌ای، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، حضور گسترده نظامی و پیشرفت دموکراسی و حقوق بشر. در واقع، هیلاری کوشیده بود تا با تکیه بر سیاست مهار چین، جای پای خود را در کاخ سفید محکم کند. پیش از این مقامات و رسانه‌های آمریکایی گزارش داده بودند که جو بایدن، معاون وقت رئیس‌جمهور، می‌تواند به‌عنوان شخصیتی پیشگام در روابط ایالات متحده و چین ظاهر شود (Le, 2009). با این حال، این کلinton بود که برای دستیابی به پرونده چین و رهبری گفتگوی جامع با رهبران پکن سخت جنگید تا سرانجام موفق شد رقبای خود، بایدن و وزارت خزانه‌داری را شکست دهد (McGregor, 2009). این نشان می‌دهد که فاکتور چین تا چه اندازه اهمیت بنیادینی در ساخت درونی قدرت در ایالات متحده دارد.

در این میان، به نظر می‌رسید که آمریکا و غرب با چنین راهبردی بتوانند چین را در دریای چین جنوبی زیر فشار قرار دهند. گذشته از دنبال کردن سیاست تعامل و توازن توأمان، روابط چین و ایالات متحده به دلیل ادعاهای ارضی در دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، تنش‌هایی را نیز از سر گذراند؛ مسئله‌ای که فشار بر پکن را دوچندان کرد. کوتاه اینکه، موازنه‌سازی مجدد واشینگتن با استراتژی چرخش به سوی آسیا و منطق بازی با حاصل جمع صفر آن به گونه‌ای فزاینده بر روابط ایالات متحده و چین سایه افکند. از نظر پکن، نگرانی عمیق واشینگتن از خیزش چین و عزم راسخ برای مهار نفوذ گسترده پکن در همه حوزه‌های اقتصادی (با بنیان گذاشتن طرح شراکت ترنس-پاسیفیک برای هدایت ادغام اقتصادی منطقه با محوریت آمریکا و بدون چین) و سیاسی (با پیمان نظامی و سیاسی کواد با کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه) و هنجاری (با تکیه بر حقوق بشر علیه چین) دیده می‌شد.

۲. «پیش به سوی غرب» چین

پاسخ چین برای درهم شکستن استراتژی چرخش به سوی آسیا، استراتژی «پیش به سوی غرب» بود. منظور از غرب در اینجا غرب جغرافیایی و در واقع، اوراسیا و آسیای غربی بود. مبتکر این سیاست، وانگ جیسی، رئیس دانشکده مطالعات بین‌المللی دانشگاه پکن است. وانگ اشاره کرده بود که همزمان با ژرف‌تر شدن رقابت چین با آمریکا در شرق آسیا، کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه برای تعامل با چین از خود علاقه نشان خواهند داد. منطق بنیادین استراتژی پیشنهادی وانگ نمایانگر تلاش چین برای رهایی از وضعیت پیچیده‌اش در شرق آسیا بود. وانگ بر آن بود از آنجا که پکن و واشینگتن هر دو سودای گسترش نفوذ خود را در شرق آسیا دارند، ادامه سیاست چین در شرق آسیا با مشکلات و تنش‌های بیشتری، حتی رویارویی اجتناب‌ناپذیر نظامی روبه‌رو می‌شود. از این رو، او تأکید می‌کرد که

چین باید توجه خود را از رقابت در شرق آسیا دور کند و در عوض، با تمرکز بر حوزه‌های جغرافیایی در ورای مرزهای غربی خود، جایی که ایالات متحده دور از آن است، تعادلی استراتژیک را با سیاست مهار آمریکایی برپا کند (Wang, 2012: 3). وانگ اشاره می‌کند که «این مناطق عاری از نظم منطقه‌ای تحت سلطه ایالات متحده یا ساز و کار ادغام اقتصادی پیشینی است» (Ibid: 4) و بر خلاف اروپای غربی یا آسیای شرقی، این اتحاد نظامی به رهبری آمریکا تشکیل نخواهد شد. تنها متحدان واقعی آمریکا در سرزمین‌های وسیع غرب چین، اسرائیل و عربستان سعودی هستند. این را با شرق آسیا مقایسه کنید که چندین کشور قدرتمند، از استرالیا گرفته تا ژاپن، روابط تجاری و امنیتی عمیق با ایالات متحده دارند. از نظر وانگ، روابط ایالات متحده و چین در غرب مرزهایش، بر خلاف شرق آسیا، مبتنی بر منافع مشترک در حوزه‌های گوناگون همچون سرمایه‌گذاری اقتصادی، انرژی، ضد تروریسم، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ثبات منطقه‌ای است. امری که می‌تواند به برآمدن روابط «متعادل‌تر» میان ایالات متحده و چین کمک کند. همزمان، واشینگتن در حال عقب‌نشینی استراتژیک از منطقه است که این خود فضای بیشتری را برای مانور چین فراهم می‌کند. وانگ همچنین تأکید می‌کند که در میانه سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ تجارت چین با آسیای جنوبی و آسیای غربی بیش از ۳۰ برابر رشد کرده در حالی که تجارت آن با دیگر کشورهای جهان تنها ۷ برابر بوده است. وانگ خاطر نشان کرد که کشورهای آسیای غربی به مراتب ثروتمندتر و باثبات‌تر از افغانستان هستند که پیوندهای اقتصادی - جریان پیوسته انرژی از و کالاها به - با این منطقه را آسان‌تر می‌سازد. از این رو «در حالی که محورهای ایالات متحده در شرق و اروپا، هند و روسیه همچنین شرق را چشم دوخته‌اند، چین باید برنامه استراتژیک پیش به سوی غرب داشته باشد» (Ibid: 5). کوتاه اینکه، پیش به سوی غرب اهرم استراتژیک اضافی در برابر واشینگتن به پکن ارائه می‌دهد.

ریشه این استراتژی را می‌باید در خوانش ژرف وانگ جیسی از تاریخ و جغرافیا نیز دید. وانگ در مقاله خود نوشته بود «به تاریخ چین نگاه کنید، بیشتر پایتخت‌ها در سلسله‌های چینی در مرکز چین بودند، نه در سواحل چین. بنابراین، این استراتژی در درجه اول برای تعادل دوباره در توسعه اقتصادی داخلی چین است» (Ibid: 5). وانگ آگاهانه آسیب‌پذیری جغرافیایی چین در دسترسی محدود اقیانوسی را در نظر داشته است. دسترسی استراتژیک چین به شرق و اقیانوس آرام با وجود دشمنان و رقبای بی‌شمار بسیار کم است. به استثنای کره شمالی و شاید میانمار، چین از شمال شرقی‌ترین نقطه منچوری تا همسایگان دریایی و آسیای جنوب شرقی و تبت، فاقد دوستان استراتژیک است. از این رو وانگ اشاره

کرد که «به تاریخ چین نگاه کنید. ایالات متحده کشور دو اقیانوسی است، در حالی که چین کشور تک اقیانوسی است؛ پس چرا ما نباید از اتصالات زمینی در مرز غربی مان استفاده کنیم؟» (Wang, Huanqiu, Times, 2012-10). در واقع آنچه وانگ استدلال می‌کند، «تبادل سازی مجدد» خود چین میان پیشینه تاریخی، جایگاه ژئواستراتژیک آن در شرق آسیا و سویه جغرافیایی چین است (Wang, 2012: 5). به سخن دیگر وانگ سودای ایجاد موازنه میان قدرت دریایی و قدرت زمینی دارد.

با چرخش آمریکا به سوی آسیا و در نتیجه وخیم شدن پر شتاب فضای خارجی چین در شرق آسیا، رهبران چین کوشیدند تا استراتژی را برای درهم شکستن محاصره سنتی چین در شرق آسیا بجویند. در این میان مقاله وانگ در اکتبر ۲۰۱۲ در مجله گلوبال تایمز و درست پیش از هجدهمین کنگره حزب کمونیست چین منتشر شد، زمانی که شی جی پینگ به مقام عالی دبیر اول حزب کمونیست رسید (Wang, 2012). در چنین زمینه‌ای بود که مرد نیرومند چین که متأثر از نگاه وانگ جیسی بود، شعارها و مفاهیم خود را به زودی در قالب یک کلان پروژه استراتژیک به نام کمربند راه ابریشم نوین نهادینه ساخت. این استراتژی پیشنهادی وانگ بذر برپایی راه ابریشم نوین را در ذهن رهبران چینی کاشت و زمینه را برای پررنگ ساختن مفهوم «غرب غرب» در آستانه غوطه‌وری روزافزون ایالات متحده در شرق آسیا و اقیانوس آرام فراهم ساخت.

گذشته از استراتژی آمریکایی چرخش به سوی آسیا و برآمدن شی جین پینگ، عواملی چند نیز به پذیرش استراتژی پیش به سوی غرب نقش داشتند. نخست اینکه، استراتژی وانگ سودای کنار گذاشتن شرق آسیا را ندارد، بلکه به دنبال تمرکز بر مناطقی خاص و رای شرق آسیا می‌باشد. در واقع، با وجود «نقاط داغ» ناپایدار و بحران‌زا همانند تایوان، کره شمالی و اختلافات دریایی در دریاهای شرق و جنوب چین، شرق آسیا منطقه‌ای نیست که چین بتواند از آن خارج شود. از این رو برای کاهش تنش‌های فعلی، این استراتژی خواهان تنظیم مجدد فعالانه روابط ایالات متحده و چین با تکیه بر پیشروی در سرزمین وسیع و رای مرزهای غربی چین است. دوم، نیاز روزافزون چین به انرژی است به گونه‌ای که زیربنای این استراتژی ژئوپلیتیک انرژی است. چین با توجه به وابستگی به چشم اسفندیار خود در تنگه مالاکا و آسیب‌پذیری آن در این گلوگاه، نیازمند یافتن مسیرهای غیر دریایی برای واردات انرژی است. چین از دیرباز سودای کاهش خطر موانع دریایی، به‌ویژه در دو آبراه حساس تنگه مالاکا (که هشتاد درصد از واردات نفتی چین از طریق آن انجام می‌گیرد) و تنگه هرمز (که حدود دو پنجم از واردات نفتی چین از این تنگه عبور می‌کند) داشته است. سوم، این استراتژی نه تنها روابط اقتصادی و فرهنگی

را با کشورهای غرب چین تسهیل می‌کند، بلکه در داخل کشور نیز سبب تسریع راه‌اندازی سیاست توسعه بزرگ غربی می‌شود. در سال ۲۰۰۰ استراتژی ملی توسعه بزرگ غربی برای ارتقای رشد استان‌های غربی چین و از میان بردن توسعه نامتوازن آن در مقایسه با استان‌های ساحلی شرقی راه افتاد. مطابق با آمار سال ۲۰۱۰، ۷۱ درصد از قلمرو کشور چین سرزمین‌های غربی است، اما تنها ۲۷ درصد از جمعیت کشور و ۱۸/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد (Wang, 2012). چهارم، شباهت تجارب تاریخی اقتصادی میان چین و خاورمیانه است. اقتصاد آسیای غربی، بر خلاف فناوری پیشرفته و اقتصاد مبتنی بر نوآوری ایالات متحده، بیشتر شبیه چین است. از این رو از نظر مقابله با بیکاری گسترده و پیشبرد تحول اقتصادی بزرگ، به نظر می‌رسد این منطقه به تجربه چین نیاز دارد. به این ترتیب طرح وانگ از توان عملی کردن این استراتژی برخوردار بود.

کوتاه اینکه، راه ابریشم نوین تلاشی برای خنثی کردن استراتژی آمریکایی چرخش به سوی آسیا از طریق بازگشت به ریشه‌های خود به عنوان قدرت قاره‌ای است. با این استراتژی چین یک منطقه وسیع جغرافیایی را به عنوان جایگزین برای شرق آسیا فراهم می‌کند، منطقه‌ای که برای گسترش نفوذ خود از سلطه ایالات متحده نیز آزاد است. پر بیراه نیست که رگه‌هایی پررنگ از تفکر مائو تسه‌توینگ را می‌توان در استراتژی «پیش به سوی غرب» دید. مائو زمانی گفته بود که «جایی که دشمن پیشروی کند، ما عقب‌نشینی می‌کنیم. آنجا که دشمن عقب‌نشینی کند، ما آن را تعقیب می‌کنیم». راه ابریشم نوین را می‌باید مولود چنین تفکری ژرف دید.

ب. پویایی‌ها

ابتکار کمربند و جاده

راه ابریشم نوین دربردارنده دو مسیر تجاری کمربند اقتصادی راه ابریشم و راه ابریشم دریایی است. مسیر زمینی یا همان کمربند راه ابریشم نوین، در پی پیوند اروپای توسعه‌یافته با آسیای در حال توسعه خواهد بود. کمربند راه ابریشم نوین دربردارنده دالان‌هایی است که تا کنون شش مورد آن در مرحله طراحی یا در دست ساخت هستند: ۱. دالان اقتصادی چین - مغولستان - روسیه؛ ۲. دالان اقتصادی پل زمینی اوراسیای نوین؛ ۳. دالان اقتصادی چین - آسیای میانه - آسیای غربی؛ ۴. دالان اقتصادی چین - پاکستان؛ ۵. دالان اقتصادی شبه جزیره هند و چین؛ ۶. دالان اقتصادی بنگلادش - چین - هند - میانمار (شکل ۱).

شکل ۱- کمربند و جاده

شاهراه‌های ابتکار کمربند-راه



(پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی)

مسیر دریایی کمربند کرانه‌های چین را به دریای چین جنوبی و اقیانوس هند پیوند می‌دهد. این جاده دریایی تلاشی است برای مدرن‌سازی و ارتقای زیرساخت‌ها و امکانات بنادر و مسیرهای لجستیکی از چین به جنوب شرقی و جنوب آسیا، خاورمیانه و شرق آفریقا که دربردارنده بخش پر جمعیت و پر مصرفی از جهان است. منطقه‌ای که مکان زندگی ۴۲ درصد از جمعیت جهان و ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی آن، به استثنای چین است (McKenzie, 2018: 1). مهم‌تر اینکه، پکن از طریق «زنجیره مروارید»^۱ خود سودای اعمال قدرت در اقیانوس هند را دارد. مروارید، به پایگاه‌های نظامی فرا دریایی و بنادر تجاری حاضر یا بالقوه چینی اشاره دارد. زنجیره نیز شامل شبکه‌ای از چین مرواریدها در گستره‌ای پهناور از کرانه دریایی چین تا شاخ آفریقا است که به وسیله نیروی دریایی چین به هم پیوند زده می‌شود. این شبکه شامل خطوط دریایی مهمی است که گلوگاه‌های ژئواستراتژیک تنگه مالاکا، تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب را احاطه می‌کنند. مفهوم ژئوپلیتیکی زنجیره مروارید نخستین بار توسط شرکت بوز آلن همیلتون در گزارشی برای رامسفلد، وزیر دفاع وقت آمریکا به کار برده شد و سپس در گزارش داخلی وزارت دفاع آمریکا، «آینده انرژی در آسیا»، در سال ۲۰۰۵ بر آن تأکید شد (Khurana, 2008). در سال ۲۰۰۸ دیوید شین پیش‌بینی کرد که چین ظرفیت ناوها و کشتی‌های خود را برای پشتیبانی از خطوط منابع حیاتی از آفریقا و خاورمیانه به چین گسترش خواهد داد (Economist, 8

June 2013). پایگاه دریایی وسیع چین در جزیره هاینان، نخستین مروارید این زنجیره است (Blasko & Fravel, 2012). کوتاه اینکه، اقیانوس هند پهنه آبی اعمال قدرت چین خواهد بود. در واقع، راه ابریشم نوین نمود و نماد انگاره چینی در شکستن مهار آمریکا است. پکن به دنبال احداث خط آهن سریع‌السير است که بتواند قدرت کشور را از کرانه شرقی چین به درون اوراسیا انتقال دهد تا از این طریق در صورت بروز مشکلات دریایی، دیواره دفاعی قاره‌ای در اختیار داشته باشد و در مجموع از برتری دریایی آمریکا بکاهد. ژائولی بر اهمیت اقتصاد-فرهنگ نوین و نقش ابتکار عمل کمربند و جاده در برآمدن تمدن چین تأکید می‌کند (Zhao, 2015: 3). ژنگ یونگنیان ابتکار عمل کمربند و جاده را فرصتی برای چین در کاربرد انگاره‌های تمدنی خود به منظور راهنمایی ارزش‌های روح زمانه پسا آمریکایی می‌بیند (Zheng, 2015: 2). کوتاه اینکه در نگاه پکن، در ابتکار عمل کمربند و جاده چرخش به اروپای چین است که چرخش به آسیای آمریکا را به چالش می‌کشد، به امید آنکه دوستان و متحدان آمریکا را به محور خود بکشد.

ج. روند: کمربند را رها کن، جاده را زیر فشار بگذار

در اینجا باید به شناخت منطق رقابت قدرت میان چین و آمریکا در سطح بین‌الملل اشاره کرد. در این میان به نظر می‌رسد که آمریکا توان اعمال فشار بر کمربند زمینی راه ابریشم نوین نخواهد داشت و به دنبال احیای طرح‌های پیشین خود، همچون ابتکار عمل جاده ابریشم نوین، برای پیوند آسیای میانه به هند از طریق افغانستان نمی‌رود چرا که نفوذ ژرفی برای اعمال این فشار ندارد. این عدم نفوذ اما به معنای انفعال آمریکا در قلب اوراسیا نیست بلکه عدم اراده یا ناتوانی ایالات متحده در حفظ حضور خود در قلب اوراسیا ممکن است همراه با ایجاد آگاهانه و عامدانه خلاء تهدیدآمیز قدرت باشد تا ثبات کمربند را مختل کند. بی‌ثباتی کمربند را می‌توان در خروج سریع اخیر ایالات متحده از افغانستان و پیروی روزافزون طالبان دید، امری که توانایی اختلال پروژه‌های کمربند زمینی چین در آسیای میانه و حتی بی‌ثبات‌سازی سین‌کیانگ را دارد. در عوض، آمریکا کاملاً بر روی جاده دریایی راه ابریشم نوین تمرکز می‌کند و چین را در دریای چین جنوبی و به‌ویژه اقیانوس هند زیر فشار قرار خواهد داد. پنتاگون در دوران دونالد ترامپ برای نخستین بار فرماندهی آسیا-پاسیفیک را با اقیانوس هند ترکیب کرد و فرماندهی ایندوپاسیفیک را برای مهار چین در اقیانوس آرام و اقیانوس هند به راه انداخت. بایدن نیز این دگرگونی را پذیرفته و حتی می‌کوشد که «گروه کواد» را نیرومندتر کند. این همه نشان‌دهنده آن است که سیاست آمریکا در سال‌های پیش رو را باید این گونه دید: «کمربند را رها کن، جاده را زیر

فشار قرار ده»^۱، این یعنی کمر بند زمینی راه ابریشم از فشار آمریکا مصون خواهد بود، اما جاده ابریشم دریایی کاملاً زیر فشار قرار خواهد گرفت.

۱. چین و راه ابریشم عربی در خاورمیانه

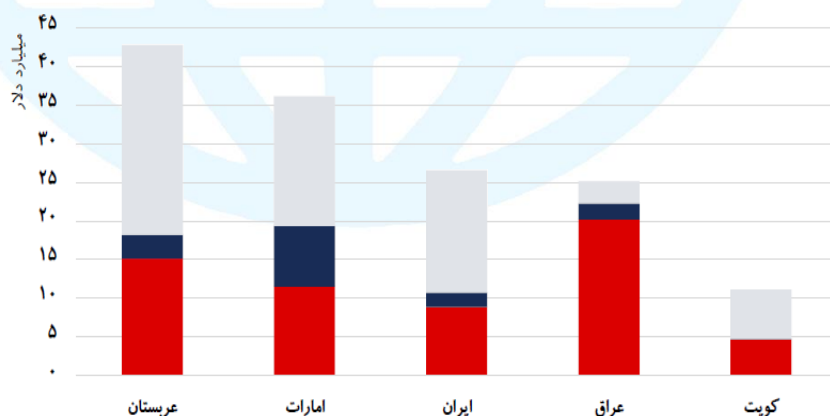
کشورهای جنوب خلیج فارس از جمله کنشگرانی هستند که به تازگی خواهان پیوستن به راه ابریشم نوین شده‌اند (Alaraby, 2018). از سوی دیگر، این منطقه نیز برای چین بسیار مهم است چرا که مهم‌ترین بعد منافع اقتصادی چین که تأمین امنیت انرژی است در سیاست پکن نسبت به کشورهای خلیج فارس ریشه دارد. برخورداری از منابع گسترده نفتی، روابط پایدار و به دور از تنش با چین و کوشش برای دوری از وابستگی به آمریکا همگی عوامل مهمی در ترغیب شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای پیوستن به راه ابریشم نوین هستند.

اولویت‌ها	شراکت
پیگیری کامل همکاری و توسعه در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی	شراکت جامع استراتژیک
هماهنگی نزدیک‌تر در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله نظامی	شراکت استراتژیک
حفظ تبادلات سطح بالا، تماس‌های بیشتر در سطوح مختلف و افزایش درک متقابل از در مسائل دارای منافع مشترک	شراکت جامع دو جانبه
گسترش همکاری در مسائل دو جانبه، بر اساس احترام و نفع متقابل	شراکت دو جانبه
تقویت همکاری در مسائل دو جانبه، مثل تجارت	شراکت جامع دوستانه

همکاری‌های چین با خاورمیانه عربی

گذشته از این، با افزایش جمعیت کشورهای عربی و انتظارات جوانان برای داشتن فرصت‌های شغلی، این کشورها از جمله امارات به سرمایه‌گذاری گسترده در بخش زیرساخت‌ها نیاز زیادی دارند و از همین رو به چین روی آورده‌اند. در میان این کشورها عمان بیش از همه برای پیوستن به این کلان پروژه کوشیده است. بر خلاف دولت‌های عربستان، قطر و امارات و فرو رفتن آنها در منجلاب

درگیری‌های آسیای غربی در دهه اخیر، سلطان قابوس و دیگر نخبگان عمانی کوشیده‌اند که کشور خود را از تنش‌ها دور نگه دارند و در عوض مسقط را به مرکز نشست‌های صلح و کاهش تنش بدل کنند. همچنین برخورداری از کرانه دریایی طولانی در دریای عمان و عرب و قابلیت مانور قدرت در ورای تنگه هرمز، در کنار همسایگی دریایی با ایران و کنترل نیمه جنوبی تنگه هرمز، به این کشور جایگاهی استراتژیک داده است. مهم‌تر اما برخورداری از چشم‌انداز استراتژیک درازمدتی است که بر پایه آن رهبران عمان، از جایگاه استراتژیک کشور خود در نظام نوین ژئوپلیتیک منطقه آگاه و به دنبال افزایش نقش کشور در فرایند تصمیم‌گیری منطقه‌ای هستند. گسترش سرمایه‌گذاری چین در دو بندر صلاله و دوqm از جمله نشانه‌های به راه افتادن راه ابریشم نوین در کرانه جنوبی خلیج فارس است. کویت نیز کوشیده است تا به پروژه راه ابریشم نوین بپیوندد. کویت چندین توافقنامه را برای پیوستن به راه ابریشم نوین امضا کرده است. مهم‌تر از همه آنکه مرکزی با نام شهر ابریشم^۱ در کنار سرمایه‌گذاری برای نوسازی پنج جزیره شمالی خود (بویان، فیلقه، میسکان، احوا، وربه) در حال ساخته شدن است (Arabian business, 2018). این پروژه بر پایه سند کویت نو ۲۰۳۰ که سودای پیوند دادن آسیای میانه به اروپا را از طریق خلیج فارس دارد، در حال اجرا می‌باشد (Agsiw, 2018). این پروژه بزرگ شامل ساختن صد میلیارد دلار آسمان‌خراش، حیات‌وحش، فرودگاه نوین و تسهیلات رسانه‌ای است. نقطه اوج آن اما ساختن پل ۳۶ کیلومتری میان شهر کویت و پنج جزیره تا پایان سال و به راه انداختن بندر مبارک به‌عنوان بزرگ‌ترین قطب بازرگانی خواهد بود.



سرمایه‌گذاری‌های چین در خاورمیانه طی دو دهه اخیر منبع: CGIT و EIA

1 - Silk City

2 - The New Kuwait 2030

روابط پکن و ابوظبی دوران طلایی خود را طی می‌کند. امارات دومین شریک تجاری چین و بزرگ‌ترین بازار صادراتی برای چین در منطقه آسیای غربی و شامل آفریقا به شمار می‌رود (The Global Times, 2018). همچنین بیش از ۲۲ درصد تجارت چین و اعراب و سی درصد صادرات چین به جهان عرب، از طریق امارات متحده عربی صورت می‌گیرد (Ibid, 2018). امارات با وجود اینکه متنوع‌ترین و پویاترین اقتصاد در میان کشورهای عربی را دارد، هنوز در سیاست‌های مالی به صادرات نفت وابسته است. در کنار این، افزایش تجارت دو جانبه و توریسم از اولویت‌های چین و امارات هستند. دو کشور در اواخر سال ۲۰۱۵، یک صندوق سرمایه‌گذاری به ارزش ده میلیارد دلار برای بخش‌های استراتژیک تأسیس کردند. شی جین پینگ درباره این صندوق گفت: «این صندوق نقش مهمی در تقویت ابتکار کمربند-جاده و بهبود اتصالات و همکاری با شرکای منطقه‌ای ما در سراسر اوراسیا ایفا خواهد کرد» (Thenational, 2015). در ژوئیه همان سال، دو کشور شانزده تفاهم‌نامه را در فروم اقتصادی چین-امارات با یکدیگر به امضا رساندند. افزایش روابط دو کشور به سطح دیپلماتیک نیز تسری پیدا کرده و شی در سال ۲۰۱۸ به امارات متحده عربی سفر کرد. این نخستین سفر یک رئیس‌جمهور چین به این کشور در سی سال اخیر به شمار می‌رود. در مقابل، در ژوئیه ۲۰۱۹ نیز ولیعهد امارات به چین سفر کرد و توافقنامه همکاری جامع استراتژیک را امضا کرد. شی در ژوئیه ۲۰۱۹ خواهان تقویت هماهنگی‌های توسعه‌ای، اطمینان از ایفای نقش ترمینال کانتینری بندر خلیفه^۱ و محوطه نمایشگاهی ظرفیت همکاری چین-امارات^۲ شد. محوطه نمایشگاهی پارکی در منطقه صنعتی خلیفه ابوظبی است که در مجاورت بندر خلیفه و در فاصله شصت و هشتاد کیلومتری از بندر ابوظبی و دبی قرار دارد که در کوتاه مدت مساحتی به وسعت ۲.۲ کیلومتر مربع و در بلند مدت ده کیلومتر مربع را اشغال می‌کند (govt. china-uae-industrial-capacity). مجموع سرمایه‌گذاری برای ساخت بخش اول آن بیش از ده میلیارد یوآن خواهد بود (gov.cn/newsrelease). شرکت همکاری و سرمایه‌گذاری خارجی استانی جیانگسو که گروه همکاری فنی و اقتصادی بین‌المللی جیانگسو راه‌اندازی کرده، مجری اصلی ساخت این محوطه نمایشگاهی است^۳. همچنین چهار منطقه توسعه ملی نیز به این پروژه پیوستند: پارک صنعتی سوژو، منطقه توسعه جیانگ نینگ در نانجینگ، منطقه توسعه اقتصادی-فناوری هایمن در هوآیان و منطقه

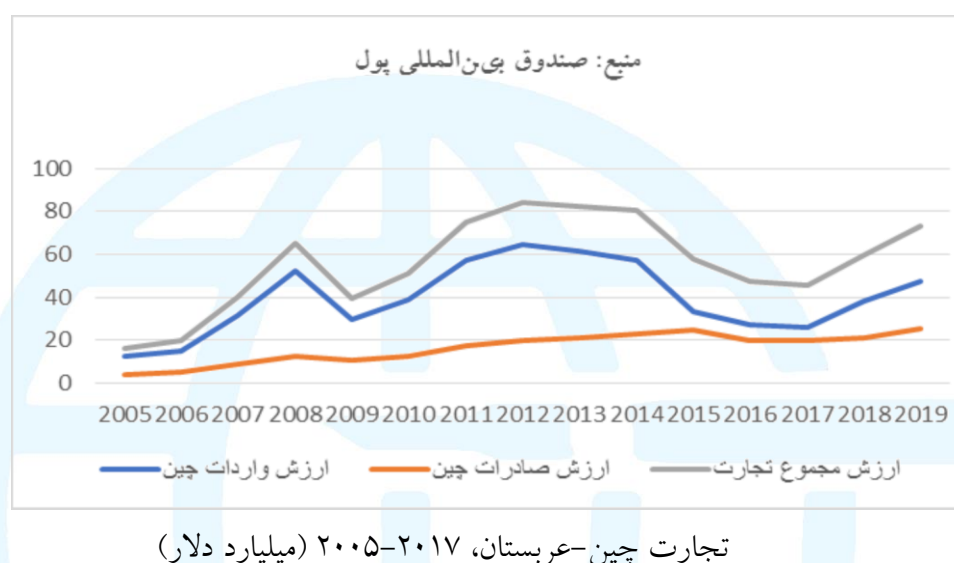
1 - Khalifa Port Container Terminal Two

2 - UAE Industrial Capacity Cooperation Demonstration Zone

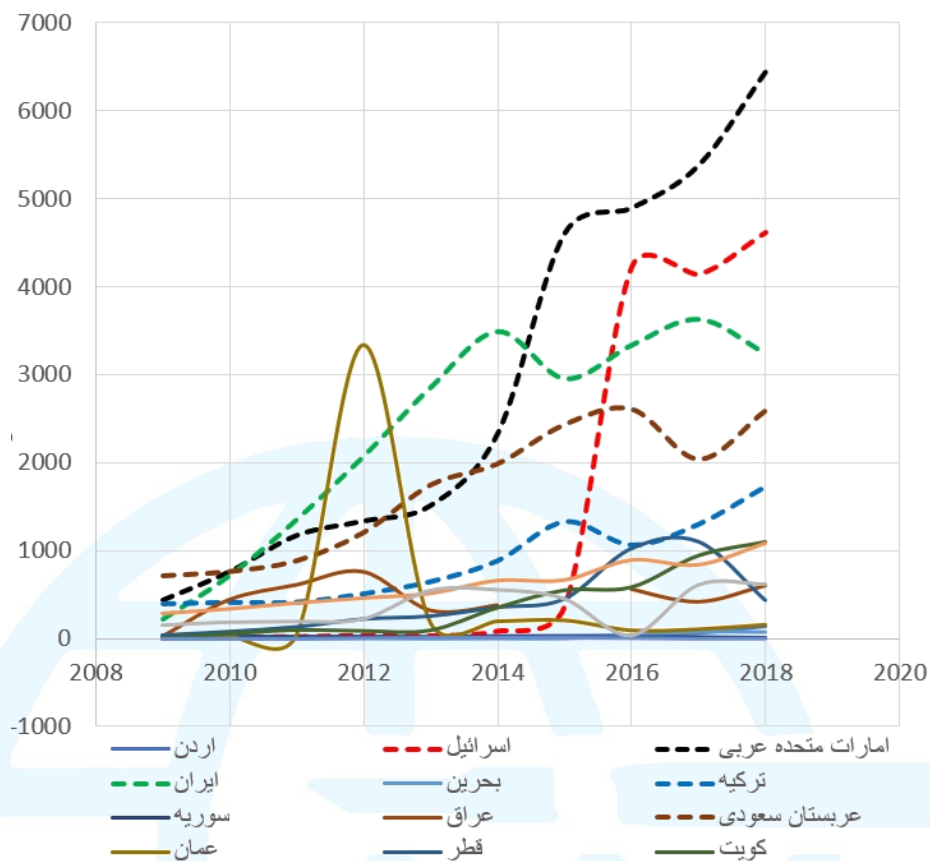
3 - Jiangsu Provincial Overseas Cooperation and Investment Company Limited

توسعه اقتصادی و فناوری یانگژو. در ژوئیه ۲۰۱۷ توافقنامه‌های همکاری و سرمایه‌گذاری بین چین و امارات متحده عربی به امضا رسید و پانزده شرکت با بیش از شش میلیارد یوآن (۸۸۴.۱۲ میلیون دلار) سرمایه‌گذاری، اقدام به امضای قرارداد اجرایی کردند. از دیگر قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های چین در امارات در سال ۲۰۱۸ می‌توان به پروژه انرژی خورشیدی ای.پی.سی.دی، توسعه پالم جمیاره (هجده میلیون دلار)، توسعه زیرساخت آکویا اکسیژن (بیست میلیون دلار)، توسعه شهر آیکون (۱۴۰ میلیون دلار)، ساخت دهکده اکسپوی دبی (۱۶۹ میلیون دلار)، ساختمان‌های تجاری و مسکونی دبی (۲۱۸ میلیون دلار) و برج‌های داون تاون ویوز ۲ (۳۵۱ میلیون دلار) اشاره کرد (meedmarshreqconstructionhub.com). ارزش فعالیت‌های تجاری بین چین و GCC از ۹.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید (IMF). رهبران ریاض نیز کوشیده‌اند که از همسایگان خود در پیوستن به این کلان پروژه عقب نیفتند (Simpfendorfer, 2011). در سال ۲۰۱۶ دولت چین همزمان با سفر شی جین پینگ به خاورمیانه، سندی رسمی به نام «عرب پالیسی پیپیر» منتشر کرد (china.org.cn, 2016). در این سند الگوی همکاری «۱ + ۲ + ۳» معرفی شد که به موجب آن چین و کشورهای عربی قرار است بحث انرژی را در هسته همکاری‌های خود، گسترش زیرساخت‌ها و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری را به‌عنوان دو بال همکاری‌ها و نیز فناوری‌های پیشرفته و نوین در حوزه انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی‌های نوین را به‌عنوان سه گام مهم برای دستیابی به موفقیت در ارتقای همکاری‌ها قرار دهند. در سفر فوریه ۲۰۱۹ محمد بن سلمان به پکن ۳۵ قرارداد تجاری و سرمایه‌گذاری به ارزش ۲۸ میلیارد دلار بین دو کشور منعقد شد. یکی از موارد سرمایه‌گذاری ایجاد ترتیباتی برای سرمایه‌گذاری عربستان در بخش توریسم چین در یک صندوق مشترک بود. ریاض همچنین آموزش زبان چینی را به طور رسمی در هشت مدرسه متوسطه در سه شهر خود (ریاض، جده و دمام) اجرا کرد. پروژه جاده‌طلبانه عربستان سعودی موسوم به «چشم‌انداز ۲۰۳۰» همراه با پروژه‌های ابتکار کمربند-جاده چین، شاید سبب افزایش سطح روابط میان چین و عربستان شود. محمد بن سلمان نیز در سفر خود در سال ۲۰۱۹ به این نکته اشاره و اذعان کرد که: «ابتکار راه ابریشم چین و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان بسیار با هم هم‌راستا خواهند بود» (Blanchard, 2019). در زمینه انرژی، قراردادی بین آرامکوی عربستان و نورینکوی چین^۱ برای سرمایه‌گذاری مشترک در ساخت پالایشگاه ده میلیارد دلاری

و همچنین پروژه پتروشیمی در لیائونینگ و همچنین ایجاد یک تجارت خرده فروشی سوخت و یک صندوق مشترک بین چین و عربستان به امضا رسید (Rania et al, 2019). همچنین آرامکو در قراردادی رسمی با منطقه تجارت آزاد ژيجياناگ^۱، ۹ درصد از سهام یک پتروشیمی محلی در ژوشان^۲ با ظرفیت تولید هشتصد هزار بشکه در روز را خرید. این قرارداد شامل توافق عرضه بلند مدت و استفاده از امکانات ذخیره نفت خام پتروشیمی ژجیانگ، برای خدمت‌رسانی به بازارهای آسیایی آرامکو می‌شد (Paraskova, 2019).



سعودی‌ها همچنین در اواسط سال ۲۰۱۸ اعلام کردند که به کریدور اقتصادی چین-پاکستان خواهند پیوست و با سرمایه‌گذاری کلان در بندر گوادر و بخش‌های زیرساختی انرژی این کشور، زمینه را برای تقویت مبادلات تجاری ریاض-اسلام‌آباد فراهم خواهند کرد. در مقابل، اسلام‌آباد نیز به تازگی از ریاض دعوت کرده که به‌عنوان اولین کشور همکار در این پروژه در پاکستان مشارکت کند. رهبران پاکستان امیدوار هستند که همکاری عربستان در این پروژه به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی پاکستان منجر شود. از سوی دیگر مشارکت در پروژه‌های کریدور اقتصادی چین-پاکستان فرصت بزرگی برای کشور عربستان محسوب می‌شود تا ضمن افزایش عمق روابط خود با این کشور، از مزایای اقتصادی طرح‌ها و همچنین کشاندن اسلام‌آباد به قطب خود نیز بهره‌مند شود و به این ترتیب در دالان چین و پاکستان شریک خواهد شد. این همکاری‌ها نشان می‌دهند که روند پیوستن شیخ‌نشین‌های کرانه جنوبی خلیج فارس به راه ابریشم نوین، بیش از پیش افزایش یافته است.



ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در خاورمیانه، ۲۰۰۹-۲۰۱۹ (میلیون دلار)

۲. آمریکا و مهار جاده دریایی با کواد

اقیانوس هند که مسیر اصلی جاده دریایی راه ابریشم نوین از پهنه آن می‌گذرد، برای دهه‌ها در استراتژی کلان آمریکا جای نداشت. در عوض، این اقیانوس‌های اطلس و آرام بودند که محور استراتژیک ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رفتند. اما چرخش قدرت و نظام بین‌المللی در زمانه پسا جنگ سرد، اهمیت اقیانوس هند را دو چندان کرده است. چهل درصد نفتکش‌ها از تنگه هرمز در غرب اقیانوس هند و پنجاه درصد کشتی‌های بازرگانی از تنگه مالاکا در شرق آن گذر می‌کنند. به همین دلیل است که به گفته رابرت کاپلان، اقیانوس هند صحنه اصلی دریایی برای نگهداشت یا از دست دادن چیرگی قدرت برتر در سده بیست‌ویکم خواهد بود (Kaplan, 2012: 4). با این حال، این مفهوم نوین «ایندوپاسیفیک»^۱ بوده که محور راهبرد پنتاگون و قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. ایندوپاسیفیک حوزه گسترده‌ای از آب‌های گرمسیری اقیانوس هند، اقیانوس آرام غربی و مرکزی و دریا‌های میان این دو در منطقه اندونزی

است. از سال ۲۰۱۱ اصطلاح «ایندوپاسیفیک» به گونه‌ای فزاینده در گفتمان ژئوپلیتیک به کار برده می‌شود. نخستین بار این کارل هاوس هوفر بود که این مفهوم را در دهه ۱۹۲۰ در کارهای دانشگاهی خود با عنوان «هند و اقیانوس آرام»^۱ به کار برد (Haushofer et al, 2002). از آن زمان تا آغاز هزاره سوم میلادی، برخی از تحلیلگران گاه از این مفهوم برای توصیف ارتباط ژئواکونومیک میان دو اقیانوس هند و آرام سود جستند. تا اینکه در مقاله‌ای به قلم گورپیت خورانا با عنوان «امنیت خطوط دریایی: چشم‌اندازهای همکاری هند و ژاپن»، به کار برده شد (Khurana, 2007: 2). سپس دیگر تحلیلگران تأکید بر ارتباط امنیت میان دو اقیانوس را آغاز کردند تا آنکه شینزو آبه در سخنرانی خود در پارلمان هند در اوت ۲۰۰۷ به «درهم تنیدگی اقیانوس‌های هند و اقیانوس آرام» به‌عنوان «اتصال پویا دریاهای آزادی و رفاه» در «آسیای گسترده‌تر» اشاره کرد (Abe, 2007). مقامات آمریکایی نیز برای نخستین بار در سال ۲۰۱۳ استفاده از اصطلاح «هند و آسیای اقیانوس آرام» را آغاز کردند. در راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۷ ایالات متحده از مفهوم ایندوپاسیفیک به جای پاسیفیک و اقیانوسیه استفاده شد (National Security Strategy of the United States of America, 2017). این مفهوم در دیگر اسناد راهبردی بالادستی ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ همچون «ارزیابی وضعیت هسته‌ای» و «چکیده استراتژی دفاع ملی» برجسته شد (Summary of the National Defense Strategy, 2018). کوتاه اینکه، کاربرد گسترده این مفهوم ایندوپاسیفیک از سوی بسیاری از تحلیلگران سیاسی و استراتژیست‌های نظامی به دگرگونی «نقشه‌های ذهنی» راهبردی درباره چگونگی فهم جهان منجر می‌شود (Brewster, 2010).

ابزار اصلی آمریکا برای اعمال قدرت در حوزه ایندوپاسیفیک برای زیر فشار قرار دادن جاده دریایی راه ابریشم نوین، گروه «کواد» است. کواد یا «گفتگوی چهار جانبه امنیتی»^۲، اتحاد راهبردی غیر رسمی میان ایالات متحده آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا است که با اجلاس‌های نیمه منظم، تبادل اطلاعات و تمرین‌های نظامی میان کشورهای عضو حفظ شده است. ریشه کواد به گفتگوی سه جانبه میان ایالات متحده، ژاپن و استرالیا برای همکاری‌های راهبردی باز می‌گردد که در ابتدا در سطح مقامات ارشد در سال ۲۰۰۲ تشکیل شد و سپس در سال ۲۰۰۵ به سطح وزیران ارتقا یافت. با افزوده شدن هند به این سه کشور، گروه کواد شکل گرفت. این مجمع نخستین بار در مه ۲۰۰۷ توسط شینزو آبه و با حمایت دیک چنی، جان هوارد و مانموهان سینگ شکل گرفت (Ibid, 2010). قرار بود کواد پیش‌درآمد

1 - Indopazifischen Raum

2 - Quadrilateral Security Dialogue—QUAD

شکل‌گیری «قوس دموکراسی آسیایی»^۱، شامل کشورهای آسیای مرکزی، مغولستان، شبه جزیره کره و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا باشد؛ تقریباً همه کشورهای حاشیه چین به جز خود چین. به نظر می‌رسید که یک «ناتوی آسیایی» از دل کواد برای مهار سازمان چین‌محور شانگهای بنیان گذاشته شود (Lee, 2009). این به این معنا بود که در درازمدت ایالات متحده به دنبال سیاست محاصره چین با سازماندهی مشارکت استراتژیک با کشورهای حاشیه آن است. تمرینات نظامی مشترک بی‌سابقه‌ای با عنوان «رزمایش مالابار» در خلیج بنگال در سپتامبر ۲۰۰۷ نخستین نمود این همکاری نظامی شد (Chellaney, 2008).

این همکاری‌ها اما در آغاز سرابی بیش نبود. اعتراض دیپلماتیک رسمی چین، خروج استرالیا در فوریه ۲۰۰۸ اندکی پس از روی کار آمدن کوین رود، پیروزی یاسو فوکودا به جای آبه و گرم‌تر شدن روابط پکن-توکیو، سفر مانموهان سینگ به چین و البته ناتوانی آمریکا در تمرکز بر مهار چین به واسطه بحران اقتصادی، همگی همکاری‌های کواد را تضعیف کرد. اما آمریکا می‌کوشید تا کواد را دگر بار زنده کند. در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۰۸، اوباما خواستار برپایی کنسرت نوینی از دموکراسی‌ها در سراسر جهان برای مقابله با نفوذ روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل شده بود. سپس هیلاری کلinton از گزارش پایانی پروژه پرینستون مبنی بر برپایی «کنسرت دموکراسی‌ها» حمایت کرد و «خواستار بازسازی مشارکت نظامی چهار جانبه میان ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و هند شد» (Rej, 2021: 18). در میانه سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۹، اعضای کواد به دلیل هراس از قدرت چین به همکاری در سطح دو یا سه جانبه به‌ویژه در رزمایش مشترک ادامه می‌دادند. استرالیا برای مهار تنش‌های برخاسته از حضور چین در آسیای شرقی و جنوب شرقی، سیاست «رویکرد شمالی» برای نگهداشت امنیت مسیرهای بازرگانی دریایی و انرژی را کلید زد. ژاپن نیز برای مهار قدرت چین و مقابله با ادعای سرزمینی پکن بر بخشی از جزایر ریوکیو، «برنامه دفاع ملی» و عملیات نظامی مبتنی بر پشتیبانی از فعالیت‌های زیردریایی خود در جزایر ریوکیو را در سال ۲۰۱۰ طراحی کرد. در دسامبر ۲۰۱۲، شینزو آبه پیشنهادی را برای بازسازی کواد این بار با چارچوب راهبردی «الماس امنیت دموکراتیک آسیا»^۲ آماده کرد، هر چند که به سرانجامی نرسید (Abe, 2012). به این ترتیب، نه تنها آمریکا بلکه دیگر کشورهای مهم منطقه ایندوپاسیفیک نیز در تلاش بودند تا قدرت چین را مهار کنند. کوتاه اینکه، اگر

1 - Asian Arc of Democracy

2 - Asia's Democratic Security Diamond

جبهه زمینی بازی بزرگ نوین جهانی در آسیای میانه و آسیای غربی قرار داشته باشد، میدان دریایی آن در ایندوپاسیفیک جای گرفته است.

برآمدن ترامپ به فعال‌تر شدن توکیو در پذیرش نقش پررنگی در امنیت منطقه‌ای و جهانی انجامید. در همین زمینه بود که گروه کواد دگر بار احیا شد. در آگوست ۲۰۱۷ شینزو آبه از همتایان خود دعوت کرد تا جلسه مشترک وزیران خارجه را طی اجلاس آسه‌آن در مانیل در نوامبر همان سال در مورد مهار بیشتر چین در دریای چین جنوبی برگزار کنند. به این ترتیب، هر چهار کشور تصمیم به احیای اتحاد کواد برای مهار چین و جاه‌طلبی‌های دریایی آن کردند. همزمان ترامپ و آبه دیدار و توافق کردند که راهبرد «ایندوپاسیفیک آزاد و باز»^۱ را در پیش گیرند. این استراتژی دربردارنده مجموعه راهبردهای کشورهای این حوزه با منافع مشترک است که از ایده «قوس آزادی و شکوفایی» ژاپن برخاست (Szechenyi & Hosoya, 2019). گردهمایی رؤسای نیروی دریایی این چهار کشور در جریان گفتگوی رایسینا در دهلی نو در سال ۲۰۱۸ یکی از نخستین نشانه‌های احیای ساختار امنیتی کواد بود. در سال ۲۰۱۹، چهار وزیر خارجه ابتدا در شهر نیویورک و سپس در بانکوک، برای بحث در مورد اصلاح ساختار کواد دیدار کردند. در نوامبر ۲۰۱۹ وزارت خارجه آمریکا سندی را منتشر کرد که به گونه‌ای رسمی مفهوم «ایندوپاسیفیک آزاد و باز» بر پایه مشارکت چهار دموکراسی را پذیرفت، هر چند که رزمایش دریایی سال ۲۰۱۹ به دلیل همه‌گیری کرونا به تعویق افتاد. در مارس ۲۰۲۰، اعضای کواد با فشار ایالات متحده، نخستین جلسه کواد پلاس را که شامل نمایندگان از نیوزیلند، کره جنوبی و ویتنام نیز بود، تشکیل دادند و ضمن تعهد به مبارزه با همه‌گیری کرونا، بر مهار چین تأکید کردند. پس از رزمایش دریایی مالابار در سال ۲۰۲۰، مایک پمپئو با وزرای خارجه چهار کشور دیدار کرد و درباره تبدیل ساختار امنیتی کواد به «ناتوی آسیایی» با «اهداف امنیتی و ژئوپلیتیکی مشترک» بحث و تبادل نظر کرد. اندکی پس از صدور «راهنمای موقت استراتژیک امنیت ملی» در ۳ مارس ۲۰۲۱، نخستین نشست کواد در عمل به رهبری جو بایدن در ۱۲ مارس برگزار شد. اعضای کواد در بیانیه مشترکی تحت عنوان «روح کواد» بر «چشم‌انداز مشترک در منطقه آزاد و باز ایندوپاسیفیک» و «نظم دریایی قاعده‌محور در دریاهای چین شرقی و چین جنوبی» میان کشورهای عضو برای مقابله با ادعاهای دریایی چین تأکید کردند (White House, 2021). کواد همچنین طرحی برای توزیع واکسن کووید به کشورهای آسیا

به‌عنوان بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر برای مقابله با نفوذ چین آماده کرد. با وجود انتقاد وزارت خارجه چین مبنی بر اینکه «کواد آشکارا موجب اختلاف میان قدرت‌های منطقه‌ای در آسیا می‌شود ... و در دوره جهانی‌سازی، تشکیل گروهی از کشورهای با هدف و ایدئولوژی‌های خاص، تضعیف‌کننده نظم بین‌الملل است و به ناکجا آباد می‌رسد» (Marlow, 2021: 24)، کواد با پیوستن دیگر کشورهای ایندوپاسیفیک از جمله سریلانکا، همراه با برآمدن محور اروپایی و کانادایی با موافقت آمریکا، در حال تبدیل به نهاد نیرومندتر و گسترده‌تر کواد پلاس است. کوتاه اینکه کواد دگر بار به مهم‌ترین ابزار آمریکا برای مهار چین در حوزه ایندوپاسیفیک آزاد و باز تبدیل شد.

از این نقطه نظر، سیاست آمریکای بایدن در برابر چین را می‌بایست همسو با سیاست ترامپ علیه پکن دید، هر چند که بایدن می‌کوشد رویکرد چند جانبه‌ای خود را داشته باشد. برای دولت بایدن احیای اتحادهایی که از رهگذر مدیریت ترامپ آسیب دیده‌اند، در اولویت قرار گرفته است. کواد پلاس را باید پیش‌درآمد گونه ناتوی ایندوپاسیفیکی دید که بر اهمیت اتحاد آسیایی برای مهار چین تشکیل شده است. مهم‌تر اینکه با وجود فراز و نشیب در سیاست داخلی آمریکا که عامل مهمی در سویه و گستره سیاست خارجی این کشور است، به نظر می‌رسد که اجماعی میان سیاست‌مداران برجسته از هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در حمایت از دیپلماسی تهاجمی‌تر در ایندوپاسیفیک برای مهار چین شکل گرفته است. این وضعیت همچون دوران جنگ سرد به سیاست خارجی سردرگم آمریکا در دهه‌های اخیر سویه‌ای پایدار خواهد داد تا آنجا که راهبردهای این کشور را در نیمه نخست سده بیست‌ویکم میلادی باید زیر لوای این خط مشی دید. از این رو نمایش تنش‌های تجاری با چین و فشار بر منافع این کشور به امری عادی تبدیل شده و چین‌هراسی به بنیان سیاست خارجی آمریکا تبدیل خواهد شد. جای شگفتی نیست که بلینکن مدیریت روابط با چین را «بزرگ‌ترین آزمایش ژئوپلیتیک سده ۲۱» قلمداد کرده و چین را کشوری دانسته است «می‌تواند به طور جدی سیستم بین‌المللی پایدار و باز را به چالش بکشد».

نتیجه

با تحلیلی ظاهری و خوانشی سطحی از راه ابریشم نوین، تنها می‌توان سویه‌های ژئواکونومیک این کلان پروژه را دریافت. بی‌تردید چین با راه ابریشم نوین، نظم اقتصادی جهان را از نو صورتبندی می‌کند و کشورها و شرکت‌های بین‌المللی و چند ملیتی را در مدار اقتصاد خود قرار می‌دهد. راه ابریشم نوین کلان پروژه‌ای فراتر از دسته‌ای از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی محسوب می‌شود و در مقابل ابزاری

برای ساختن نظم نوین جهانی بر پایه مدل حکومتی و نهادهای مالی چینی است. به سخن دیگر، پکن سودای تعمیق توسعه پروژه جهانی شدن با الگوی چینی را در سر دارد، چرا که رهبران چین آگاه هستند که یکی از مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به این خواسته، بازآرایی اقتصاد جهانی و پذیرش پکن به‌عنوان مرکز نوین سرمایه‌داری و جهانی‌سازی است.

با این حال، توان ژئواکونومیک قابلیت ترجمه به توان ژئوپلیتیک را دارد. از یک سو، کنش‌های اقتصادی چین، در پی درهم شکستن هژمونی دلار آمریکا و جایگزینی یوان به‌عنوان ارز برتر جهانی است. چنین دگرگونی عمیقی به کاهش نفوذ جهانی آمریکا و مخالفت با جهان تک قطبی و ایجاد نظم نوین جهانی به رهبری چین می‌انجامد. تلاش برای مرکزیت جهان اقتصادی، پیامدهای ژرف ژئوپلیتیکی نیز خواهد داشت. از سوی دیگر، مقیاس کلی پروژه‌های راه ابریشم نوین نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی پکن به آهستگی به دگرگونی سویه‌های ژئواکونومیکی به ژئوپلیتیکی، هم در سطح خاورمیانه عربی و هم در سطح جهانی می‌انجامد. به بیان دیگر، راه ابریشم نوین تنها فهرستی از پروژه‌های زیرساختی اقتصادی-تجاری نیست، بلکه کلان استراتژی پکن برای چیرگی بر اوراسیا و اقیانوس هند است. چین سرانجام زیر فشار همه جانبه و رقابت روزافزون بین‌المللی با آمریکا مجبور خواهد شد به جهان و آمریکا بنگرد، همان گونه که آمریکا به چین نگاه می‌کند: از دریچه ژئوپلیتیک.

همان گونه که نشان داده شد، کلان‌روند «کمر بند را رها کن، جاده را زیر فشار بگذار» مهم‌ترین نمود رقابت روزافزون پکن-واشینگتن است. این رقابت اما برخاسته از کلان پروژه راه ابریشم است که خود پاسخی به استراتژی آمریکایی چرخش به سوی آسیا بود. بررسی ژرف این روند نمایانگر این واقعیت است که گسترش و تثبیت راه ابریشم، در دل خود جنگ و برخورد را به همراه دارد. همان گونه که راه ابریشم باستانی تنها پس از جنگ‌های صلیبی و سپس هجوم مغولان و تسخیر کامل اوراسیا، بیش از پیش در اروپا گسترش یافت. به همین دلیل هر کشوری در خاورمیانه عربی که بدون توجه به آمریکا بخواهد یک سویه با چین کار کند، زیر ضرب فشارهای آمریکا قرار خواهد گرفت. با روی کار آمدن بایدن، پیوستن به جاده دریایی راه ابریشم نوین بیشتر زیر ضرب قرار خواهد گرفت. در واقع، راه ابریشم نوین، نمایش قدرت چین و رای مرزها و خواست این کشور برای ابرقدرت شدن از طریق دستیابی به هژمونی تاریخی چین در خاورمیانه عربی، اوراسیا و اقیانوس هند خواهد بود. پیامد چیرگی بر خاورمیانه عربی و اوراسیا، چیرگی بر جزیره جهانی و اقیانوس‌های پیرامون آن فرجام راه‌اندازی کلان پروژه راه ابریشم نوین، برپایی نظم نوین جهانی به رهبری پکن خواهد بود. کوتاه اینکه، تلاش

پکن برای راه‌اندازی و پیشبرد راه ابریشم نوین را رقابت پکن-واشینگتن در حوزه اقتصادی رقابتی در «سطح» دید. در «عمق» اما، راه ابریشم نوین نبرد ژئوپلیتیکی میان چین و آمریکا برای چیرگی جهانی در سده بیست‌ویکم میلادی خواهد بود.

فهرست منابع

منابع غیر فارسی

- 1- Abe, S. (2007). Confluence of the two seas. Speech by HE Mr. Shinzo Abe, Prime Minister of Japan at the Parliament of the Republic of India, 22.
- 2- Abe, S. (2012). Asia's democratic security diamond. Project Syndicate, 27.
- 3- AKYILDIZ, Ş. (2022). Frankopan, Peter. The New Silk Roads: The Present and Future of the World, London: Bloomsbury, 2019, 368 pp, <DOI: 10.38154/cjas.36>.
- 4- Ap, T., Rizzo, J., & Liptak, K. (2016). Obama lifts US arms ban on Vietnam. CNN Politics, 24.
- 5- Blackwill, R. D., & Harris, J. M. (2016). War by other means: Geoeconomics and statecraft. Harvard University Press.
- 6- Blanchard, B. (2019). Saudi Arabia strikes \$10 billion China deal, talks de-radicalization with Xi. Reuters, February, 22.
- 7- Blasko, D. J., & Fravel, M. T. (2012). Much ado about the Sansha garrison.
- 8- Blinken, Antony. (2015) Brookings Institute, Transcript of speech, 31 March 2015. Available at: <https://www.brookings.edu/events/the-united-states-and-central-asia-an-enduring-vision-for-partnership-and-connectivity-in-the-21st-century/>
- 9- Brewster, D. (2010). The Australia-India Security Declaration. Security Challenges, 6(1), 1-9.
- 10- Brzezinski, Z. (2016). The grand chessboard: American primacy and its geostrategic imperatives. Basic books, <DOI: 10.2307/1149289>.
- 11- Buzan, Barry and Ole Waver. Regions and Powers: The Structure of International Security. (Cambridge University Press, 4 Dec 2003). P.187.
- 12- Callahan, W. A. (2016). China's "Asia Dream" the belt road initiative and the new regional order. Asian Journal of Comparative Politics, 1(3), 226-243, <DOI: 10.1177/2057891116647806>.
- 13- Chatham House. "What is Geoeconomics" (PDF). Chatham House. Chatham House. Retrieved 9 August 2020.
- 14- Chellaney, Brahma. "Different playbooks aimed at balancing Asia's powers". The Japan Times, 3 November 2008.
- 15- "China's growing empire of ports abroad is mainly about trade, not aggression". The Economist. 8 June 2013.
- 16- Clinton, H. (2011). Remarks at the new Silk Road ministerial meeting. US Department of State, 22, 2009-2017. Available at: <https://2009-2017.state.gov/secretary/20092013clinton/rm/2011/09/173807.htm>
- 17- El Gamal, R., Aizhu, C., & Zhang, M. (2019). Saudi Aramco shifts strategy in China to boost oil sales. Reuters, March, 14.
- 18- Etzioni, Amitai. (2013) "No Pivot to Asia," The Extraordinary and Plenipotentiary Diplomatist. Available at: <https://ssrn.com/abstract=2274329>
- 19- Friedberg, Aaron L. (2012) "Bucking Beijing: An Alternative US China Policy," Foreign Aff., 91, 48. Available at: <https://www.jstor.org/stable/41720860>

- 20- Foster, J. B. (2006). The new geopolitics of empire. MONTHLY REVIEW-NEW YORK-, 57(8), 1, <DOI: 10.14452/MR-057-08-2006-01_1>.
- 21- Frankopan, P. (2017). The silk roads: A new history of the world. Vintage.
- 22- George, Alexander L., and Andrew Bennett. (2005) Case studies and theory development in the social sciences. Cambridge: MIT Press.
- 23- Githaiga, N. M., Burimaso, A., Wang, B., & Ahmed, S. M. (2019). The belt and road initiative: Opportunities and risks for Africa's connectivity. China Quarterly of International Strategic Studies, 5(01), 117-141, <DOI: 10.1142/S2377740019500064>.
- 24- Haushofer, K., Tambs, L. A., & Brehm, E. J. (2002). An English translation and analysis of Major General Karl Ernst Haushofer's Geopolitics of the Pacific Ocean: studies on the relationship between geography and history. (No Title).
- 25- Gordon, T. (1994). Trend impact analysis. Futures Research Methodology, 1–21.
- 26- Hillman, J. E. (2020). The emperor's new road: China and the project of the century. Yale University Press.
- 27- Kaplan, R. D. (2019). The Return of Marco Polo's World: War, Strategy, and American Interests in the Twenty-first Century. Random House Trade Paperbacks.
- 28- Kaplan, R. D. (2011). Monsoon: The Indian Ocean and the future of American power. Random House Trade Paperbacks.
- 29- Kaplan, Robert. D. The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts and the Battle Against Fate, Random House Trade Paperbacks; Reprint edition (September 10, 2013).
- 30- Kaplan, Robert D. The Return of Marco Polo's World: War, Strategy, and American Interests in the Twenty-first Century, Random House (March 6, 2018).
- 31- Kashmeri, S. A. (2019). China's grand strategy: weaving a new silk road to global primacy. Bloomsbury Publishing USA.
- 32- Khurana, G. S. (2008). China's 'String of Pearls' in the Indian Ocean and its security implications. Strategic Analysis, 32(1), 1-39, <DOI: 10.1080/09700160701355485>.
- 33- Le, Matthew (27 February 2009). "U.S. complains about China's human rights record". Associated Press.
- 34- Lee, John, "Bush legacy: Better US-India relations." The Straits Times (Singapore), 8 October 2009; Editorial: "China left out in India-Japan pact". The Business Times Singapore, 28 October 2008.
- 35- Luttwak, E. N. (1990). From geopolitics to geo-economics: Logic of conflict, grammar of commerce. The national interest, (20), 17-23.
- 36- Mações, B. (2021). Belt and road: A Chinese world order. Oxford University Press.
- 37- McGregor, Richard (26 July 2009). "Beijing in uneasy embrace of the greenback". Financial Times.
- 38- Mahbubani, K. (2020). Has China won? the Chinese challenge to American primacy. Hachette UK.
- 39- Marlow, I. (2021). What is the 'Quad' and should China fear it. Bloomberg. URL: <https://www.bloombergquint.com/quicktakes/what-is-the-quad-and-should-china-fear-it-quicktake> (дата обращения 13.04. 2021). Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2021-03-26/what-is-the-quad-and-should-china-fear-it-quicktake>
- 40- Mendes, C. A. (Ed.). (2018). China's new Silk Road: an emerging world order. Routledge.
- 41- Mesbahi, M. (2011). Free and confined: Iran and the international system. Iranian review of foreign affairs, 2(5), 9-34. Available at: http://irfajournal.csr.ir/article_123386.html

- 42- Miller, T. (2019). *China's Asian dream: Empire building along the new silk road*. Bloomsbury Publishing.
- 43- Nixon, Richard (January 15, 1992). *Seize the Moment: America's Challenge in a One-superpower World* (First ed.). Simon & Schuster.
- 44- Paraskova, T. (2019). Saudi Aramco boosts oil investment in China's downstream. Oilprice.com, 5.
- 45- Rej, Abhijnan (17 March 2021). "Indo-Pacific Takeaways from the UK 'Integrated Review'". *The Diplomat*; Gudrun Wacker (9 March 2021). Available at: <https://thediplomat.com/2021/03/three-indo-pacific-takeaways-from-the-uk-integrated-review/>
- 46- Reisinezhad, Arash. 2018. *The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia*. Palgrave-Mac-Millan.
- 47- Rolland, N. (2017). China's "Belt and Road Initiative": Underwhelming or game-changer? *The Washington Quarterly*, 40(1), 127-142, <DOI: 10.1080/0163660X.2017.1302743>.
- 48- Ross, R. S. (2012). The problem with the pivot: Obama's new Asia policy is unnecessary and counterproductive. *Foreign Aff.*, 91, 70. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/asia/2012-11-01/problem-pivot>
- 49- Starr, S. F., & Kuchins, A. C. (2010). The key to success in Afghanistan: A modern silk road strategy. Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program. Available at: <https://www.silkroadstudies.org/publications/silkroad-papers-and-monographs/item/13098-the-key-to-success-in-afghanistan-a-modern-silk-road-strategy.html>
- 50- Simpfendorfer, B. (2011). *The New Silk Road: How a rising Arab world is turning away from the West and Rediscovering China* (Vol. 178). New York, NY: Palgrave Macmillan.
- 51- Szechenyi, N., & Hosoya, Y. (2019). Working toward a free and open Indo-Pacific. Alliance Policy Coordination Brief, Carnegie Endowment for International Peace, 10.
- 52- Wang, J. S. (2012). Marching West, China's Geo-strategic Re-balancing [西进, 中国地缘战略的再平衡]. *Huanqiu Times*, 2012-10, available at: <https://opinion.huanqiu.com/article/9CaKrnJxoLS>
- 53- Wang, J. S. (2012). Marching West, China's Geo-strategic Re-balancing [西进, 中国地缘战略的再平衡]. *Huanqiu Times*, 2012-10. available at: <https://opinion.huanqiu.com/article/9CaKrnJxoLS>
- 54- Wang, J. (2014). 6 "Marching Westwards": The Rebalancing of China's Geostrategy. In *The World in 2020 According to China* (pp. 129-136). Brill, <DOI: 10.1163/9789004273917_008>.
- 55- Shahriar, S. (2019). The Belt and Road initiative: what will China offer the world in its rise, Available at: <https://doi.org/10.1080/02185377.2019.1594324>
- 56- Wang, Y. (2016). *Belt and road initiative: What will China offer the world in its rise*. New World Press.
- 57- Yiwei, W. (2015). One belt one road: Opportunities for Europe-China cooperation. *Europe's World*, 13. Available at: <https://www.friendsofeurope.org/insights/one-belt-one-road-opportunities-for-europe-china-cooperation/>
- 58- Zimmerman, T. (2015). *The New Silk Roads: China, the US, and the Future of Central Asia* (pp. 1-26). New York, NY, USA: Center on International Cooperation. Available at: https://cic.nyu.edu/sites/default/files/zimmerman_new_silk_road_final_2.pdf

- 59- Zhao, L. (2015). Yidai yilu: Zhongguo de wenmingxing jueqi. [One Belt, One Road: China's Civilizational Rise]. Beijing: Zhongxin chubanshe.
- 60- Zheng, Y. (2015) "Weilai sanshinian: Gaige xinchangshe xiade guanjian wenti. [30 Years into the Future: Key Issues for the New Normal of Reform],” Beijing: Zhongxin chubanshe.
- 61- Baker McKenzie, Belt & Road: Opportunity & Risk The prospects and perils of building China's New Silk Road, Silk Road Associates, 2018.
- 62- "Europe and the Indo-Pacific: comparing France, Germany and the Netherlands". Elcano Royal Institute. Available at: <https://www.realinstitutoelcano.org/en/analyses/europe-and-the-indo-pacific-comparing-france-germany-and-the-netherlands/>
- 63- "Quad Leaders' Joint Statement: "The Spirit of the Quad". White House. 12 March 2021. Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2021/03/12/quad-leaders-joint-statement-the-spirit-of-the-quad/>
- 64- "National Security Strategy of the United States of America". whitehouse.gov. December 2017 – via National Archives; Watanabe, Tsuneo "Nabe" (30 October 2019). "Japan's Rationale for the Free and Open Indo-Pacific Strategy [1]". International Information Network Analysis and The Sasakawa Peace Foundation.
- 65- "Summary of the National Defense Strategy". Office of the Secretary of Defense. 2018.
- 66- <https://www.alaraby.co.uk/english/comment/2018/7/31/trumps-trade-war-sees-chinese-gains-in-the-gulf>; <https://agsiw.org/beyond-energy-the-future-of-china-gcc-economic-ties/>;
- 67- <https://www.arabianbusiness.com/politics-economics/408347-kuwait-china-ink-deal-to-move-forward-with-silk-city-project>.
- 68- <https://agsiw.org/the-curious-case-of-chinas-kuwaiti-concession/>
- 69- The Global Times, Bilateral trade between China and the UAE, July 27, 2018, available at <https://www.globaltimes.cn/content/1111674.shtml>
- 70- <https://www.thenational.ae/business/uae-china-to-set-up-10bn-joint-strategic-investment-fund-1.105808>
- 71- <http://govt.chinadaily.com.cn/s/201902/13/WS5c63c755498e27e33803839e/china-uae-industrial-capacity-cooperation-demonstration-zone.html>
- 72- https://en.ndrc.gov.cn/newsrelease_8232/202010/t20201010_1244045.html
- 73- <https://meedmashreqconstructionhub.com/404.php>
- 74- http://www.china.org.cn/world/2016-01/14/content_37573547.htm